



## تبیین اثرات برنامه‌های توسعه شهری بر سرمایه اجتماعی در مواجهه با جهانی شدن

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۹/۲۵

حمیدرضا صارمی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
saremi@modares.ac.ir

سمیه رستم آبادی

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرقدس مدرس،  
تهران، ایران somaye.rostamabadi@gmail.com

آرش بغدادی

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، تهران، ایران  
a.baghdadi@qodsiau.ac.ir

### چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: فرایند سریع شهری شدن در جهان و به ویژه کشورهای در حال توسعه و نحوه مواجهه با جهانی شدن از مهمترین موضوعاتی است که شهرسازی ایران را با چالش جدی مواجه کرده است. این موضوع سبب شده برنامه ریزی شهری در ایران در ده های گذشته توان مواجهه با چالش های برخاسته از جهانی شدن را نداشته و به طور کامل تحت سیطره ی آن در آمده است. یکی از الگوهای رویارویی با این چالش، تعمیق بخشی به افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه است، این پژوهش در پی آن است که نقش برنامه های توسعه شهری را از منظر توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی در مواجهه با جهانی شدن تبیین کند و اینکه آیا می توان اثرات منفی جهانی شدن را در برنامه های شهری از طریق تقویت سرمایه اجتماعی تعدیل کرد.

روش پژوهش: این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی با رویکردی ترکیبی (کمی و کیفی) است و واحد آن در بُعد کیفی بهره گیری از متخصصین و مدیران حوزه ی برنامه ریزی شهری در شهر تهران و در بُعد کمی با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۵۶ نفر مورد سوال قرار گرفته اند. همچنین، سند پایه در این پژوهش آخرین طرح جامع تهران است. یافته ها: پژوهش نشان می دهد که برنامه های شهری در مواجهه با دو نوع سرمایه اجتماعی «مقید ساز» و «پیوند دهنده»، بیشتر منجر به افزایش سرمایه اجتماعی مقید ساز شده است. و با ایجاد گروه هایی که این طرح ها را در انحصار خود دارند اثرات منفی جهانی شدن مانند تشدید فردیت، تشدید شکاف طبقاتی و .. را تشدید کرده اند نتیجه گیری: طرح های شهری می توانند با انتخاب رویکرد مشارکتی سرمایه اجتماعی پیوند دهنده را در سطوح مختلف تقویت نموده و پیامدهای منفی جهانی شدن را تضعیف کنند.

**واژگان کلیدی:** برنامه های توسعه شهری، طرح جامع شهر تهران، سرمایه اجتماعی، جهانی شدن

## مقدمه

و ایمنی ( Baum et al., 2009; Poortinga, 2012; Bromell & Cagney, 2013) آن را ترویج نمایند (Osborne, et al, 2016: 213).

اما گرچه در طرح های شهری از ابتدا بخش مطالعات اجتماعی بخش ثابتی بوده است، لیکن تحلیل محتوای این برنامه ها و تحلیل اثر آن ها بی حاصلی این مطالعات را در پیشنهادات و نهایتاً اجرای این برنامه ها نشان می دهد. به واقع نبود پایه نظری قوی و متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی ایران سبب می شود که این ابعاد نتوانند به صورت کاربردی و تأثیرگذار مطرح شوند (براتی، و یزدان پناه شاه آبادی، ۱۳۹۴: ۲۹۰).

به این ترتیب، این پژوهش می کوشد چگونگی و میزان اثرگذاری برنامه های توسعه شهری در کشور را - با تأکید بر آخرین طرح جامع تهران - بر مولفه های سرمایه اجتماعی در جامعه درک کند؛ درکی که در نهایت بازشناسی الزامات، راهکارها و پیش نیازهای ارتقا سرمایه اجتماعی در کشور را ممکن کرده و منجر شود که جامعه در مواجهه با چالش جهانی شدن پیامدهای منفی را به حداقل رسانده و از منافع آن بیشتر منتفع شود. بدین سان پرسش اصلی این پژوهش چنین صورت بندی می شود: چگونه می توان اثرات منفی جهانی شدن را در برنامه های شهری از طریق تقویت سرمایه اجتماعی تعدیل کرد.

## پیشینه پژوهش

مرور ادبیات نشان می دهد پژوهش های زیادی در خصوص رابطه ی میان برنامه ریزی شهری و سرمایه اجتماعی، و میان برنامه ریزی شهری و جهانی شدن مطالعه شده است. در بررسی رابطه ی میان برنامه ریزی شهری و سرمایه اجتماعی، که بسیار هم مورد توجه و استقبال پژوهش های دانشگاهی است، غالباً سرمایه اجتماعی مولفه ای مطلقاً مثبت تلقی شده که می بایست برای اهداف گوناگونی تقویت گردد

مجید نادری (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان تبیین مولفه های سرمایه اجتماعی در فضاهای عمومی شهری به شناسایی متغیرها و مولفه های تأثیر گزار بر شکل گیری سرمایه اجتماعی پرداخته و ارتباط معنادار بین مولفه های معماری شهری و کیفیت فضاهای شهری با میزان سرمایه اجتماعی یافته است.

سعید اسکندری (۱۳۹۲) در مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی در بین محلات شهر

جهانی شدن پدیده ای است که امروزه اکثر شهرهای دنیا را در ابعاد مختلفی متأثر از خود کرده است. تهران نیز به عنوان پایتخت ایران و برخوردار از جمعیتی بالای ده میلیون نفر به طور گسترده ای تحت تأثیر پیامدهای جهانی شدن قرار دارد. این شهر در جایگاه مرکز سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از بُعد کالبدی شهری ناهمگون با فشردگی مفهوم زمان و مکان و در ابعاد اجتماعی و فرهنگی با الگوی غیر بومی به کلان شهری بی هویت تبدیل شده است. به این ترتیب، این الگوی ناکارآمد به سایر کلان شهرها و شهرهای بزرگ کشور تسری پیدا کرده و آنها را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

میزان اثرپذیری شهرها از پدیده جهانی شدن از یک سو، تابعی است از هویت آن جامعه، و میزان آگاهی و اعتماد در سطح جامعه. همچنین، میزان مشارکت و تعاملات اجتماعی افراد نیز بر نحوه مواجهه آنها با پیامدهای این پدیده تأثیر گذار است. به بیان دیگر، میزان سرمایه اجتماعی در جامعه، خصوصاً مولفه های اجتماعی آن، در نحوه مواجهه آن جامعه با پیامدهای پدیده جهانی شدن مؤثر است.

از سوی دیگر، دگرگونی الگوواره ی حاکم بر نظریه و عمل برنامه ریزی شهری، در نیمه دوم قرن بیستم، از رویکردی تکنوکرات و از بالا به پایین به رویکردی مشارکتی و از پایین به بالا، تأکید بر مفهوم سرمایه اجتماعی و ارتقاء آن در کلانشهرها را بیش از پیش پراهمیت کرده است.

در بررسی های صورت گرفته بر روی اسناد برنامه ریزی و طرح های توسعه شهری در ایران به رغم آثار مثبتشان این برنامه ها به بخش قابل توجهی از اهداف خود دست نیافته اند. در مطالعات و بررسی های مختلف، دلایل متعدد عدم تحقق اهداف برنامه های مذکور مورد بررسی قرار گرفته اند که از مهم ترین آنها می توان به عدم مشارکت و بی توجهی به سرمایه اجتماعی اشاره کرد (خوش فر و کرمی، ۱۳۹۳: ۶۵). اما همچنین تحقیقات نشان داده است که سرمایه اجتماعی می تواند به طور مثبتی به طیف وسیعی از حوزه ها کمک می کند که برنامه ریزان شهری تلاش می کنند تا از طریق طرح ها و سیاست های برنامه ریزی از جمله: توسعه پایدار Roseland, 2000; Hatfield-Dodds & Pearson, ) مشارکت مدنی ( Ziersch et al., 2011; Lyons & Kirkby- Geddes et al., 2013)، اعتماد (Snoxell, 2005)، و انسجام اجتماعی، شمول اجتماعی<sup>۱</sup>

### مبانی نظری

(1) جهانی شدن: فرصت‌ها و چالش‌های آن برای برنامه‌ریزی شهری

جهانی شدن به منزله «ایده بزرگ» (Held et al, 2017, p. 483) و مسئله‌ای مهم در سال‌های اخیر به یکی از پرتکرارترین مفاهیم در تحلیل‌های دانشگاهی و حرفه‌ای به ویژه در رشته‌های علوم اجتماعی و به تبع آن برنامه‌ریزی شهری (Richardson & Bae, 2005: 1)، رسانه‌های جمعی، و عرصه خط‌مشی عمومی تبدیل شده است و با این حال، معنای آن هنوز چندان واضح نیست. واژه جهانی شدن نخستین بار برای طرح تحولاتی که در عرصه اقتصادی پدید آمد، به کار گرفته شد. پس از آن و به سیاق موضوعات اقتصادی، در موضوعات دیگری نظیر قاچاق مواد مخدر و تروریسم که دامن‌گیر ملل متعددی بود به کار رفت (تهرانیان و افتخاری، ۱۳۹۴: ۲۶). بدین ترتیب، جهانی شدن به منزله پدیده‌ای چندبعدی دیده می‌شود (Tomlinson, 1999: 7) که ابعاد مختلفی توسط صاحب‌نظران مختلف برای آن برشمرده شده است. کوهان و نای (۲۰۰۱)، بر مبنای انواع شبکه‌ها، جریان‌ها و اتصالات ادراکی که در شبکه‌های گسترده فضایی رخ می‌دهد، چهار بعد جهانی شدن را شامل الف) اقتصادی شامل مالی، ب) نظامی یا راهبردی، ج) محیطی، و د) اجتماعی فرهنگی می‌دانند (Keohane & Nye, 2000: 4). چاکراوُرتی (۲۰۰۵)، جهانی شدن را دارای دو عنصر می‌داند: جهانی شدن اقتصادی که به ادغام بازارهای جهانی دلالت دارد؛ و جهانی شدن ایدئولوژیکی که به ایده‌های سیاسی اشاره دارد که موجب گسترش بازارها، تجارت و دموکراسی می‌شود (Chakravorty, 2005: 29). پراتون و همکارانش، جهانی شدن را مشتمل بر ابعاد اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و تکنولوژیکی دانسته (Perraton et al, 1997: 258) و گِرَبوز (۲۰۱۵) سه بعد اصلی آن را شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی می‌داند و اشاره می‌کند که پیامدهای متعددی نظیر تضعیف نقش دولت ملی، ظهور بخش‌های اقتصادی جهانی مشترک یا استاندارد شدن نیازهای مشتری، پیامد مستقیمی بر موجودیت‌های کسب‌وکار در سراسر جهان دارند (Grębosz & Hak, 2015: 69).

جهانی شدن را می‌توان به مثابه علت مشکلات شهری بی‌شماری تفسیر کرد که از جمله انواع آلودگی‌ها (شامل آلودگی هوا، آب، خاک و جز آن‌ها)، انواع بیماری‌ها (شامل بیماری‌های قلبی، سرطان، بیماری‌های

ارسنجان به شناسایی ارتباط بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی در مقیاس محله‌ها پرداخته است و ارتباط مستقیم و معناداری بین مولفه‌های هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی یافته است.

روح الله مرادی (۱۳۹۲) در مطالعه بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه محله‌های شهری اراک به شناسایی تاثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی در نحوه توسعه‌های محله‌ای پرداخته است و راهبردهایی را در راستای ارتقاء کمی مولفه‌های سرمایه اجتماعی ارائه داده است.

حسن صادقی (۱۳۸۹) در مطالعه جهانی‌شدن اقتصاد و اثرات آن بر اندازه دولت و اشتغال نیروی کار در کشورهای آسیایی به شناسایی تاثیرات مثبت و منفی پدیده جهانی شدن بر اقتصاد دولتها و فضای کسب و کار در کشور های در حال توسعه پرداخته است و به ضرورت تهیه برنامه جامع برای دولتهای روبرو با چالشهای جهانی شدن جهت تعدیل آنها و نه رفع کامل مشکلات پرداخته است.

سید احمد فیروز آبادی (۱۳۸۴) به بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران پرداخته است و با شناسایی مولفه‌های سرمایه اجتماعی و بررسی کمی آنها در فضای شهری به مولفه‌های بومی شده سرمایه اجتماعی در محدوده مودر مطالعه و راهبردهای ارتقاء آنها دست یافته است.

اما آن چه کم‌تر مورد توجه بوده است این است که از چه نوعی از سرمایه‌های اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی در چه قشری سخن گفته می‌شود. در این پژوهش‌ها معمولاً ابعاد و اثرات منفی که برنامه‌ریزی شهری می‌تواند از طریق تولید سرمایه‌های اجتماعی در بین اقشار جامعه ایجاد کند مورد توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر جهانی شدن نیز غالباً بصورت مولفه‌ای منفی در نظر گرفته می‌شود که فقط باید آن را از طرق مختلف از جمله تقویت سرمایه‌های اجتماعی خنثی کرد و پتانسیل‌های جهانی شدن به مثابه عاملی پیش‌برنده در هر جامعه‌ای - که اگر نتوان واکنش مناسب به آن را به موقع نشان داد اثرات مخربی بر جامعه خواهد داشت - غالباً نادیده گرفته می‌شود. با توجه به این خلاءها و کمبودها، در این پژوهش به بررسی رابطه‌ی برنامه‌ریزی شهری با هر دو نوع مثبت و منفی سرمایه‌های اجتماعی و تاثیر آن‌ها بر ابعاد مختلف جهانی شدن می‌پردازیم.

یافته‌اند اما مصالح و تکنولوژی‌های ساخت پیشرفت محسوسی داشته‌اند؛ زنان در جامعه بیش از قبل حضور دارند؛ پذیرش و گفت‌وگو با فرهنگ‌های متنوع گسترش یافته است؛ و انسان‌ها به علت بیشتر شدن امکان مواجهه با فرهنگ‌های مختلف (دست‌کم در فضای مجازی) آن‌ها را راحت‌تر قبول می‌کنند و این منجر به شنیده شدن و پذیرش بیشتر فرهنگ‌های اقلیت شده است. به تبع آن چه گفته شد چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی عرصه جهانی شدن در شهر به شرح جدول ۱ است:

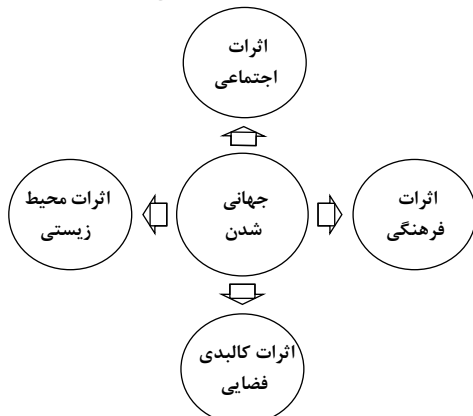
خودایمینی و سایر بیماری‌های شایع در سبک زندگی شهری و استرس و کم‌حرکی ناشی آن، گسترده شدن فقر شهری، شکاف طبقاتی گسترده و زندگی غیررسمی (علیرغم وعده‌ی رفاه برای همه) را شامل می‌شود. اما از سوی دیگر جهانی شدن را می‌توان به عنوان منبع امکان‌ها و راه‌های جدید نیز دید: گرچه بیماری زیاد شده اما شمار مرگ و میر بر اثر بیماری‌های همه‌گیر به شدت کاهش یافته است؛ امکانات بهداشتی و مراقبتی گرچه به صورت نابرابر اما بخش بیشتری از جامعه را به نسبت قبل پوشش می‌دهد؛ سکونت‌گاه‌های غیررسمی گسترش

جدول ۱: چالش‌ها و فرصت‌های مؤثر در عرصه جهانی شدن بر شهرها

فرصت‌ها	چالش‌ها	عرصه‌های جهانی شدن
- آشنایی و مواجهه با فرهنگ‌های مختلف و گسترش رواداری، پذیرش و اختلاط فرهنگی - ایجاد فضای تعامل و گفت‌وگو و حل تنش‌های اجتماعی موجود - پذیرش تکرر فرهنگ‌ها و قبول نظرات و هویت‌های مخالف	- اثرات مخرب فرهنگی بر ارزش‌های ملی و بومی - تشدید تنش‌های اجتماعی به علت افزایش شکاف‌های طبقاتی و اقتصادی - جهانی شدن فرهنگ باعث کمرنگ شدن مرزها و از بین رفتن هویت محلی را تشدید می‌کند؛	بخش فرهنگی
- امکان حضور در فضاهای جدید - تعمیق بخشی به هویت شهروندان با رویکرد شهروند مسئولیت پذیر - ایجاد منابع هویتی متکثر و خلق هویت‌های متکثر	- شتاب بخشیدن به گسست فضا و مکان - سطحی، ضعیف و آسیب‌پذیر شدن شهروندی - تصلب هویتی و عدم تطبیق عناصر پایدار هویتی	بخش اجتماعی
- امکان تلفیق معماری سنتی و مدرن - امکان حضور در فضاهای رابطه‌ای به عنوان بعد جدیدی از هستی اجتماعی	- تعارض مظاهر سنت و مدرنیته در معماری؛ - از دست رفتن هویت مکان و سرزمین تحت تأثیر عامل جهانی شدن	بخش کالبدی فضایی
- امکان خلق مدیریت‌های محلی - بررسی محیط زیست فراتر از مرزهای سرزمینی و توجه به مسائلی مانند گرمایش زمین و سوراخ شدن لایه اوزون و آلودگی	- عدم وجود یک برنامه‌ریزی جامع‌نگر و مناسب و نبود استقلال کافی برای حفاظت از محیط زیست شهری پایدار کلانشهرها؛ - تضاد میان قوانین موجود و برنامه‌های توسعه پایدار شهری	بخش محیط زیست شهری

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

نمودار ۱: ابعاد و اثرات جهانی شدن



منبع: کوهان و نای (۲۰۰۱)

در نتیجه چالش‌ها و فرصت‌های جهانی شدن را می‌توان در چهار بُعد فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و محیط زیستی خلاصه کرد که هر کدام از این ابعاد با توجه به وضعیت شهر و نحوه‌ی مواجهه با اثرات مثبت منفی آن میزان تاثیر پذیری متفاوتی دارد و سرمایه اجتماعی عنصر

انجام شده تا کنون نه جهانی شدن فقط تهدید است و نه سرمایه‌ی اجتماعی مفهومی به تمامی مثبت. یک انتقاد رایج به بورديو، کلن و پاتنام این است که در توضیح شان از پیامدها یا تاثیرات سرمایه‌ی اجتماعی، در زمینه‌ی سنجش موثر قابلیت‌های منفی آن ناکام بوده‌اند. با وجود این به موازات گسترش این حوزه، یک بررسی نسبتاً محتاطانه‌تر از اثراتش نیز به عمل آمد.

در مقابل این منافع سرمایه اجتماعی، می‌توان تعدادی از پیامدهای منفی بالقوه‌ی آن را نیز شناسایی کرد. برخی شبکه‌های اجتماعی، همانند گروه‌های تروریستی یا عملیات مافیایی، آشکارا می‌توانند از سرمایه‌ی اجتماعی شان برای اهداف مخرب و نامطلوب استفاده کنند. همانند مورد روسیه که به قدر کافی گویاست، وجود نهادهای عمومی ضعیف و شکاف‌های عمیق بین مقامات قدرتمند و شهروندان عادی و وجود گروه‌های مافیایی مختلف به بی‌ثباتی سیاسی، فساد فراگیر، افزایش نابرابری و فرار سرمایه منجر شده است (Rose, 2014: 147).

جان فیلد (۱۳۹۵) به امکان «فساد انگیز» بودن سرمایه‌ی اجتماعی اشاره کرده است. از نظر او «اجتماعی‌گری در واقع چاقوی دولبه‌ای است که از هر دو طرف می‌برد. به همان میزان که تعاون برای دستیابی به اهداف برای اعضای شبکه‌ها و مردم سودمند است، به همان اندازه سوء استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی در اهداف اقتصادی و اجتماعی فساد انگیز است» (فیلد، ۱۳۹۳: ۱۲۷). به هر حال می‌توان تفاوت‌های بین شبکه‌های اجتماعی مولد و شبکه‌های فسادانگیز تعریف کرد. شبکه‌های اجتماعی مولد شبکه‌هایی هستند که ستادهای مطلوبی، هم برای اعضای خود و هم برای جامعه ایجاد می‌کنند و شبکه‌های فسادانگیز شبکه‌هایی هستند که نتایج مثبتی برای اعضای خود و نتایجی منفی برای بقیه جامعه به وجود می‌آورند. اما گاهی فساد و فساد انگیزی هدف عمده شبکه است در حالی که بعضی اوقات محصول ثانویه یا فرعی یا غیرعمدی شبکه است. عضویت در شبکه‌ها ممکن است آثار فسادانگیز غیرعمدی نیز به وجود آورد. این حالت زمانی پیش می‌آید که اعضای شبکه در یک همکاری برنامه‌ریزی شده (عمدی) برای حصول احتمالی هدفی خاص گرد هم می‌آیند، ولی این کار آن‌ها عوارضی جانبی و فاسدی ایجاد می‌کند که جزو خواسته‌ها و اهداف آنان نبوده است. مثلاً در اتحاد شوروی سابق، سیستم‌های

(۲) سرمایه اجتماعی در مواجهه با جهانی شدن سرمایه اجتماعی قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط با یکدیگر در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی است. کلمن (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی را با آنچه موجد آن است تعریف می‌کند؛ پدیده سرمایه اجتماعی تنها زمانی هستی می‌یابد و شکل می‌گیرد که نخست، در یک محیط اجتماعی معین (محیط واقعی یا مجازی) انسان‌هایی در برابر یکدیگر قرار گرفته باشند و دو دیگر، میان آنها رابطه‌ای شکل گرفته باشد و جریان یابد. به این ترتیب، در یک تعریف جامع می‌توان چنین گفت که سرمایه اجتماعی، توان نهفته در روابط بین و میان افراد یک جامعه است که باعث انجام امورات آن جامعه می‌شود و به عنوان منبعی برای تسهیل روابط میان افراد تلقی می‌گردد. پیش شرط شکل‌گیری آن وجود فضایی است که در آن افراد حضور داشته و روابط بین آنها شکل بگیرد (ازکیا، ۱۳۸۴: ۹۷). اما همه‌ی اندیشمندان سرمایه‌ی اجتماعی را مولفه‌ای با اثرات و ابعاد تماماً مثبت نمی‌دانند. در نتیجه باید توجه شود که از چه نوع سرمایه‌ی اجتماعی دفاع می‌شود.

برحسب نوع رابطه، پاتنام (۱۹۹۵)، وانگ و همکاران (۲۰۱۸)، بین دو نوع سرمایه اجتماعی تمایز قائل شده است: سرمایه اجتماعی مقیدساز و سرمایه اجتماعی پل‌زننده. سرمایه اجتماعی مقیدساز<sup>۲</sup>، گره اجتماعی بین اعضای همگون جامعه نظیر اعضای خانواده و اعضای گروه‌های مذهبی است. سرمایه اجتماعی پل‌زننده<sup>۳</sup>، اتصال سست بین اعضای گروه‌های ناهمگون نظیر گروه‌های خدمات جوانان است (Putnam, 2000: 20).

سرمایه اجتماعی مقیدساز، از طریق اعتماد درون گروه‌های بسته ایجاد می‌شود که اغلب منجر به بیرون نگه داشتن غیر اعضا و خصومت میان گروهی می‌شود. برای مثال، صنعت ساخت‌وساز آمریکا، تحت تسلط مهاجران ایتالیایی، ایرلندی یا لهستانی قرار داشت و ورود تازه‌واردان به این صنعت دشوار بود. سرمایه اجتماعی مقیدساز در اعمال هنجارهای اجتماعی مؤثر است، ولی به‌طور معمول به مانعی برای حرکت آزاد اطلاعات در میان شبکه‌های اجتماعی تبدیل می‌شود (Lee, 2018: 39). سرمایه اجتماعی «مقیدساز» درون گروه توسعه می‌یابد و افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را به هم مقید می‌سازد.

همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، غالباً برای مقابله با آنچه تهدید جهانی شدن خوانده می‌شود از تقویت سرمایه‌ی اجتماعی دفاع می‌شود. اما طبق بررسی‌های

سرمایه‌ی اجتماعی مقید ساز در آن حاکم است. (رهنما، ۱۳۸۶: ۵۵).

۳) برنامه‌های شهری، سرمایه‌ی اجتماعی و مواجهه با جهانی شدن

برنامه‌های توسعه‌ی شهری بنا به خاصیت توسعه‌ای و رابطه‌ای که با انسان‌ها و محیط زندگی آن‌ها برقرار می‌کنند از مهمترین ابزارهای هستند که میزان سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه را تحت تأثیر قرار داده و می‌توانند در دستیابی به اهداف خود نیز از آن بهره ببرند.

رویکردهای «مردم‌مبنا» و «مشارکت محور» جایگزین معاصر برای رویکردهای نخبه‌گرا و از بالا به پایین هستند. توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری و همچنین انجام تحقیقات متعدد که نمایانگر تأثیر این ابعاد بر عرصه زندگی شهری به انحصار مختلف می‌باشد، سبب اهمیت پیدا کردن این مفاهیم در برنامه‌ریزی شهری دنیا شده است. اما باید در نظر داشت که چه نوع سرمایه‌ی اجتماعی توسط سیستم برنامه‌ریزی شهری ایجاد یا ترویج می‌شود. در غیر اینصورت ایجاد اشکال منفی و مقید کننده سرمایه‌ی اجتماعی محتمل است که نه تنها نمی‌تواند از امکان‌های موجود در جهانی شدن استفاده کند بلکه تشدیدکننده‌ی تهدیدهای نیز خواهد بود (رفرنس؟).

نظام تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری با هر سیستم برنامه‌ریزی و حکومتی از سه رکن اساسی ۱- رویکرد نظری برنامه‌ریزی، ۲- رویه‌ها و روش‌های تهیه و تصویب ۳- اجرا تبعیت می‌کند. (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۹۵: ۶۷)

که در این میان رویکرد نظری برنامه‌ریزی از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است؛ چرا که الگوهای تصویب و نحوه اجرای طرح‌های توسعه شهری به طور منطقی و طبیعی از آن نشأت می‌گیرد. (Oduwaye, 2013: 1193) رویکردهای موجود در برنامه‌ریزی شهری را که غالباً در کشور‌های در حال توسعه به آن توجه شده است می‌توان در سه دسته‌ی کلی بیان کرد: برنامه‌ریزی جامع، برنامه‌ریزی سیستمی و برنامه‌ریزی مشارکتی (سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۹). اولین مرحله در بررسی برنامه‌ها و طرح‌های شهری بررسی رویکرد کلی آن‌هاست.

کارچاق کنی با پارتی بازی به افراد لطف می‌کردند که برای بسیاری از افراد ناشناخته ایجاد هزینه می‌نمود.

وولکاک (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که در جوامع (یا اجتماعات) با سطح بالای سرمایه‌ی اجتماعی پل‌زننده، و احتمالاً بهره‌مند از رونق اقتصادی و نظم اجتماعی، دولت و جامعه می‌توانند مکمل هم باشند. اما در مواردی که اساساً سرمایه اجتماعی یک جامعه، در گروه‌های اولیه‌ی اجتماعی جدا از هم ریشه دارند، گروه‌های قوی‌تر، با طرد دیگر گروه‌ها، بر دولت مرکزی یا ادارت محلی مسلط می‌شوند. چنین جوامعی از جمله کشورهای آمریکای لاتین که جمعین‌های بومی محروم زیادی دارند دارای ویژگی تعارض پنهان هستند. (Fox and Brown, 2005) این تعارضات خود را در سطح برنامه‌ریزی شهری و اجرای برنامه‌ها به شدت نشان می‌دهد و گروه‌های که توانسته‌اند بر دولت مرکزی و ادارات محلی حاکم شوند می‌توانند آن را به نفع خود تغییر دهند.

از سویی همان‌گونه که در بالا اشاره شد جهانی شدن شبکه‌ای است پیچیده و به سرعت گسترش یافته از پیوندها و وابستگی‌های متقابل که وجه زندگی مدرن به شمار می‌رود. اگر جهانی شدن را به عنوان یک جریان و روند اجتماعی پویا که در آن قید و بندهای جغرافیایی حاکم بر روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و... تضعیف شده است در نظر بگیریم، به سادگی و با توجه به آن چه در بالا گفته شد می‌توان فهمید که با سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ای دوسویه خواهد داشت. از آنجا که در این پدیده افزایش ارتباطات جوامع با یکدیگر و افزایش امکان تأثیرگذاری جامعه‌ای بر جوامع دیگر، افزایش روابط اجتماعی با پیشرفت حمل‌ونقل و ارتباطات مخصوصاً تلویزیون، تلفن و اینترنت آسانتر و ارزان‌تر، و انتشار عقاید در سطح جهانی تسهیل شده است حتمن بر سرمایه‌ها و پیوندهای اجتماعی جوامع تأثیر خواهند داشت. بنابراین نقش و عضویت افراد در چنین شبکه‌ای بر مبنای نوع مشارکت آنان صرفن بر اساس محل زندگی‌شان معین نمی‌شود. بلکه ارتباطاتی که جامعه جهانی‌پیریزی می‌کند موجب تغییرات عمده‌ای می‌شود (افراخته، ۱۳۸۱: ۱۵۳) ارجاع شده در موسی‌کازمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰۰). از سوی دیگر با توجه به آن چه که در بالا گفته شد دو نوع سرمایه‌ی اجتماعی مقید ساز و پل‌زننده وجود دارد که بر چگونگی این رابطه‌ی جوامع با جهان بزرگ‌تر نیز تأثیر دارد. اگر جهانی شدن در جامعه‌ای رخ بدهد که سرمایه‌ی اجتماعی پیوند دهنده‌ی قوی داشته باشند متفاوت از جامعه‌ای خواهد بود که

جدول ۲: تحول نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در قرن بیستم

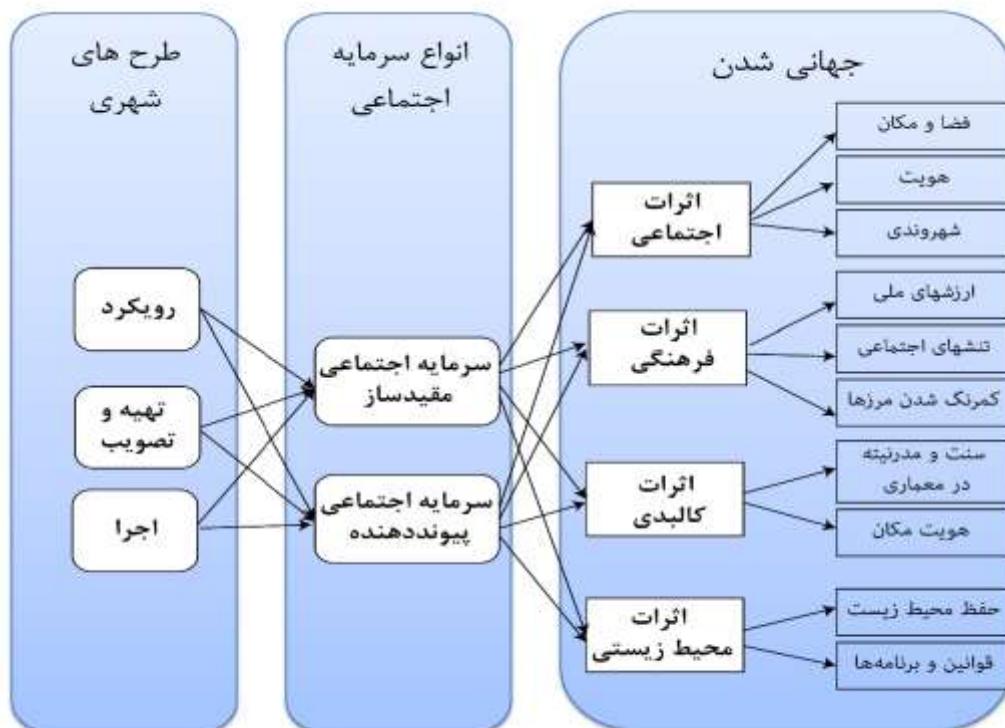
نظریه	دوره نفوذ	مبانی اجتماعی و فکری	اهداف کلان	الگوی طرح‌های توسعه
برنامه‌ریزی جامع	۱۹۲۰-۱۹۶۰	- مدیریت متمرکز دولتی - خردگرایی و یوزیتویسم	- توسعه کلان اقتصادی - ساماندهی کالبدی	- طرح‌های کلان توسعه و عمران - طرح‌های جامع- تفصیلی
برنامه‌ریزی سیستمی	۱۹۶۰-۱۹۸۰	- نگرش سیستمی به جهان - مدیریت علمی و فنی سیستم‌ها	- بهسازی سیستم‌های اجتماعی - هدایت و نظارت سیستم شهر	- طرح‌های ساختاری- محلی - طرح‌های استراتژیک - مدل‌سازی سیستم‌های شهری
برنامه‌ریزی مشارکتی (دموکراتیک)	تاکنون- ۱۹۸۰	- جامعه مدنی و دموکراسی - اعتقاد به خرد جمعی - تأکید بر ارزش‌های بومی و محلی	- تأمین توسعه پایدار - تأمین عدالت اجتماعی - مدیریت مشارکتی و محلی	- سلسله‌مراتب طرح‌های توسعه - تنوع گزینه‌ها و پروژه‌ها - برنامه‌ریزی فرایندی و تدریجی

منبع: سیف الدینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۹

در قدم بعدی فرایند تهیه و تصویب طرح که بسته به طرح‌های مختلف متفاوت است بررسی خواهد شد. و در نهایت مرحله اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شهری که بیشترین تاثیر را در فضای شهری در پی دارند. در نتیجه مدل نظری این پژوهش بر مبنای سه مولفه‌ی رویکرد نظری، تهیه و تصویب و اجرا که هر یک می‌توانند به نوبه‌ی خود ایجاد کننده، تقویت کننده، و یا

تخریب کننده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز یا پیوندهنده باشند شکل می‌گیرد. دو نوع سرمایه‌ی اجتماعی مذکور نیز می‌توانند شرایطی را که جهانی شدن در ابعاد مختلف برای شهرها و اجتماعات به دنبال دارند، تعیین کنند؛ شرایطی که می‌توانند به مثابه فرصتی برای توسعه عمل کنند یا اثرات مخربی بر شهرها و اجتماعات داشته باشند.

نمودار ۲: مدل نظری پژوهش



منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

## روش پژوهش

از آن جا که مؤلفه‌های پژوهش در پرسشنامه کیفی هستند، در تحلیل یافته‌های گردآوری شده از پرسشنامه از آزمون خی دو و برای بررسی رابطه دو متغیر از سنجش تفاوت فراوانی گزینه‌ها استفاده شده است. اگر گزینه‌های انتخابی افراد برای سوالاتی که هر فرضیه را می‌سنجند تفاوت معنی‌داری نداشته باشند در نتیجه می‌توان گفت دو متغیر از هم مستقل هستند. یعنی از نظر جامعه رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود ندارد.

## یافته‌های پژوهش

نمونه‌ی مورد بررسی در این پژوهش متشکل از متخصصان حوزه‌ی برنامه‌ریزی شهری در شهر تهران هستند و از نظر تحصیلات ۴۵ درصد (۱۶۴ نفر) دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۳۲ درصد (۱۱۶ نفر) کارشناسی و ۲۲ درصد (۸۵ نفر) نیز دارای مدرک دکتری هستند. همچنین حوزه‌ی فعالیت پاسخگویان به دو دسته‌ی مدیر مرتبط و مدیر متخصص تقسیم شده است که ۴۰٫۹ درصد (۱۵۰ نفر) را مدیران مرتبط و ۵۹٫۱ درصد (۲۱۵ نفر) را مدیران متخصص تشکیل داده‌اند. از این میان تعداد ۱۷۵ نفر (۴۷٫۹ درصد) در بخش دولتی و ۱۹۰ نفر (۵۲٫۱ درصد) نیز در بخش خصوصی در حال فعالیت‌اند. نهایتاً پرسش‌نامه‌ها ۱۳ بیانیه به شرح زیر را، که بر روابط میان گویه‌های پژوهش (جدول ۳) دلالت دارند، مورد بررسی قرار می‌دهند:

- رویکرد فعلی طرح جامع موجب تقویت سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز می‌شود.
- رویکرد مشارکتی طرح می‌تواند به تقویت سرمایه‌ی اجتماعی پل‌زننده بیانجامد.
- فرایند موجود تهیه طرح‌های توسعه شهری موجب تشدید سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز می‌شود.
- فرایند موجود تصویب طرح‌های توسعه شهری موجب تشدید سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز می‌شود.
- فرایند موجود اجرای طرح‌های توسعه شهری موجب تشدید سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز می‌شود.
- سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز موجب تشدید اثرات اجتماعی منفی جهانی شدن می‌شود.
- سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده موجب تقویت اثرات اجتماعی مثبت جهانی شدن می‌شود.
- سرمایه اجتماعی مقیدساز موجب اثرات منفی فرهنگی جهانی شدن می‌شود.

پژوهش مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد آمیخته (کمی و کیفی) و از آن جا که شهر تهران بیش از دیگر شهرهای کشور در معرض اثرات جهانی شدن بوده است، به عنوان شهر مورد مطالعه‌ی این پژوهش انتخاب شده است. به این ترتیب، سند پایه‌ی مورد بررسی در این پژوهش نیز آخرین طرح جامع تهران خواهد بود. همچنین جامعه‌ی آماری پژوهش از میان متخصصین حوزه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری در شهر تهران انتخاب شده‌اند که بیشترین درگیری و آشنایی را برنام‌ها و طرح‌های تفصیلی یا موضوعی - موضوعی - و در پس آن با پیامدهای جهانی شدن - در این شهر داشته‌اند. از میان سه روش کلی نمونه‌گیری شامل انباشته یا کومه‌ای، قضاوتی و تصادفی یا احتمالی، این مقاله در انتخاب متخصصین نمونه‌گیری قضاوتی را برگزیده است. در این روش بر اساس داوری افراد آگاه و مطلع با خود پژوهشگر بخشی از جامعه انتخاب می‌شوند. از میان ۵۰۰۰ نفر متخصص فعال در این رشته که در شهر تهران قرار دارند و با بکارگیری فرمول کوکران حجم نمونه‌ی مورد بررسی در این پژوهش ۳۵۶ نفر تعیین شده است.

ابزار پژوهش در این مقاله پرسشنامه است. در این پژوهش از پرسشنامه‌های محقق ساخته استفاده شده است که بر پایه‌ی چارچوب نظری و پژوهش‌های انجام شده و در راستای اهداف و پرسش پژوهش تدوین گردیده است. این پرسشنامه حاوی ۸۶ پرسش است و این پرسش‌ها نظرات متخصصین در باب رابطه‌ی میان مؤلفه‌های مورد بررسی پژوهش را گردآوری کرده‌اند.

جدول ۳: تعداد گویه‌های هر شاخص

تعداد گویه‌ها	شاخص‌ها
۱۲	رابطه‌ی رویکرد طرح و سرمایه‌ی اجتماعی
۱۶	رابطه‌ی فرایند تهیه و تصویب طرح و سرمایه‌ی اجتماعی
۶	رابطه‌ی نحوه اجرای طرح و سرمایه‌ی اجتماعی
۱۴	رابطه سرمایه اجتماعی و اثرات اجتماعی جهانی شدن
۱۲	رابطه سرمایه اجتماعی و اثرات فرهنگی شهری جهانی شدن
۸	رابطه سرمایه اجتماعی و اثرات کالبدی جهانی شدن
۸	رابطه سرمایه اجتماعی و اثرات زیست محیطی شهری جهانی شدن

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



جدول ۴: نتایج روابط مدل نظری پژوهش

بیانیه	رابطه	معناداری	چوپروف
۱	رویکرد طرح جامع و سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز	√	۲۳،۳۵
۲	رویکرد مشارکتی طرح و سرمایه‌ی اجتماعی پل‌زننده	√	۷۰،۰۵
۳	فرایند تهیه طرح جامع و سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز در شهر تهران	√	۱۳،۱۶
۴	فرایند تصویب طرح جامع و سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز در شهر تهران	√	۴۱،۸۰
۵	فرایند اجرای طرح جامع و سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز در شهر تهران	√	۲۹،۵۳
۶	سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز و تشدید اثرات کالبدی منفی جهانی شدن	√	۲۱،۷۶
۷	سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده و تقویت اثرات کالبدی مثبت جهانی شدن	√	۲۵،۸۲
۸	سرمایه اجتماعی مقیدساز و اثرات منفی زیست محیطی جهانی شدن.	√	۲۹،۵۳
۹	سرمایه اجتماعی پیونده دهنده و اثرات مثبت زیست محیطی جهانی شدن	√	۸،۴۲
۱۰	سرمایه اجتماعی مقیدساز و اثرات منفی اجتماعی جهانی شدن.	√	۱۰،۳۱
۱۱	سرمایه اجتماعی پیونده دهنده و اثرات مثبت اجتماعی جهانی شدن	√	۲۵،۶۶
۱۲	سرمایه اجتماعی مقیدساز و اثرات منفی فرهنگی جهانی شدن.	√	۲۸،۰۴
۱۳	سرمایه اجتماعی پیونده دهنده و اثرات مثبت فرهنگی جهانی شدن	√	۲۷،۲۷

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

- سرمایه اجتماعی پیونده دهنده موجب اثرات مثبت فرهنگی جهانی شدن می‌شود.
  - سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز موجب تشدید اثرات کالبدی منفی جهانی شدن می‌شود.
  - سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده موجب تقویت اثرات کالبدی مثبت جهانی شدن می‌شود.
  - سرمایه اجتماعی مقیدساز موجب اثرات منفی زیست محیطی جهانی شدن می‌شود.
  - سرمایه اجتماعی پیونده دهنده موجب اثرات مثبت زیست محیطی جهانی شدن می‌شود.
- چنان‌که جدول ۴ نشان می‌دهد، تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ها درباره‌ی این بیانیه‌ها با استفاده از آزمون چوپروف نشان از معناداری آن‌ها دارد و به این ترتیب صحت تمامی این بیانیه‌ها فرضیه‌ی پژوهش را تأیید می‌کند.

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- در ابتدای این بخش باید اشاره کنیم که در این پژوهش سرمایه اجتماعی با توجه به تعاریفی که ارائه شد به دو دسته سرمایه اجتماعی مقیدساز و پیوند دهنده تقسیم شد و تلاش شد از تعریف یکدست از سرمایه اجتماعی و تقسیم آن صرفن به مقولات مشارکت، اعتماد، و ... خودداری کنیم. در همین راستا رابطه‌ی بخش‌های مختلف طرح‌های شهری شامل رویکرد، تهیه و تصویب، و اجرا با این دو نوع مشارکت سنجیده شد. در ادامه رابطه‌ی هر کدام از این دو نوع سرمایه‌ی اجتماعی با ابعاد مختلف جهانی شدن نیز از
- تهران؛ شهری با اصالت و هویت ایرانی - اسلامی (شهری که برای رشد و تعالی انسان و حیات طبیعه، سامان می‌یابد)
- تهران؛ شهری دانش پایه، هوشمند و جهانی)
- تهران؛ شهری سرسبز و زیبا، شاداب و سرزنده با فضاهای عمومی متنوع و گسترده
- تهران؛ شهری امن و مقاوم در برابر انواع آسیبها و مقاوم در برابر مخاطرات و سوانح
- تهران؛ شهری پایدار و منسجم با ساختاری مناسب برای سکونت، فعالیت و فراغت

بالاتر را دارند و آیا این فرایند صرفاً باعث تقویت سرمایه‌ی اجتماعی درون گروهی آن‌ها می‌شود یا کل جامعه را در بر می‌گیرد. اگر این طرح‌ها صرفاً توسط گروه‌های خاصی تهیه و تصویب می‌شوند باید امکان ورود دیگر گروه‌ها نیز در این فرایند فراهم شود.

- توجه به رویکردهای تقویت کننده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده در هنگام اجرا.

در هنگام اجرا نیز باید رویه‌های اجرایی متناسب با وضعیت و در جهت تقویت سرمایه‌ی اجتماعی پیوند دهنده تنظیم شوند.

### منابع

براتی، ناصر و یزدان پناه شاه آبادی، محمد رضا (۱۳۹۴) ارزیابی سرمایه اجتماعی به عنوان عامل اساسی در ارتقاء کیفیت زندگی در شهرهای جدید، نمونه موردی: شهر جدید پردیس، فصلنامه آرمانشهر، دوره ۸، شماره ۱۵، صص: ۲۸۹-۲۹۹.

پیران، پ. (۱۳۹۱). مشارکت اجتماعی در ایران: از امتناع تا راهبرد بدون جایگزین. تهران: نشر جامعه شناسان.

پیران، پ. (۱۳۹۲). مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی. نشر علم.

تهرانیان، مجید، و اصغر افتخاری (۱۳۸۱). جهانی شدن: چالش‌ها و ناامنی‌ها. ویراسته علی حیدری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

دانشپور، سیدعبدالهادی؛ بهزادفر مصطفی؛ برک‌پور ناصر؛ و مرجان شرفی. (۱۳۹۶). محیط برنامه‌ریزی مشارکتی؛ ارائه مدل مفهومی برای تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی، دوفصلنامه دانشگاه هنر: نامه معماری و شهرسازی، دوره ۹، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص: ۲۳-۴۲.

قوام، س. (۱۳۸۴). جهانی شدن و جهان سوم. تهران: نشر سیاسی و مطالعات بین الملل.

کلین، ج. (۱۳۸۶). بنیادهای نظریه اجتماعی. تهران: نشر نی.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). «نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن». فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱، صص: ۱۱۶-۸۵.

مصطفی ازکیا و غلامرضا غفاری. «جامعه‌شناسی توسعه». انتشارات کیهان، ۱۳۸۴.

موسی کاظمی، مهدی؛ ابراهیم‌زاده عیسی؛ تالشی مصطفی؛ و شیبانی امین، عیسی. (۱۳۹۵). فرایند

- تهران؛ شهری روان با رفاه عمومی و زیرساختهای مناسب، همراه با تعدیل نابرابریها و تأمین عادلانه کلیه حقوق شهروندی
- تهران؛ کلانشهری با عملکردهای ملی و جهانی و با اقتصادی مدرن و مرکزیت امور فرهنگی - پژوهشی و سیاسی در سطح کشور، و حداقل یکی از سه شهر مهم و برتر منطقه آسیای جنوبغربی

آنچه واضح است در همه‌ی بندهای این چشم‌انداز اثرات جهانی شدن و مواجهه با آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. اما همان‌گونه که در آزمون فرضیات مشخص شد از نظر متخصصین این حوزه طرح جامع در شکل حاضر بیشتر موجب تقویت سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز می‌شوند و در نتیجه موجب تشدید اثرات منفی جهانی شدن می‌شوند.

اگرچه رویکردهای «مردم‌مبنا» و «مشارکت محور» بسیار تکرار می‌شوند و اما در عمل و در مواجهه با جهانی شدن آن‌چه شاهدش هستیم غیر از این را نشان می‌دهد. یعنی بر خلاف تصورات نشانه‌ها حاکی از حذف شدن و کنار گذاشته شدن آن‌ها می‌شود که در کلام قرار بود وارد فرایند برنامه‌ریزی شوند.

اما طبق تحلیل‌ها و نظرات متخصصین این حوزه طرح‌های شهری به کلی و طرح جامع به طور خاص پتانسیل تشدید سرمایه‌ی اجتماعی پل زنده را دارند و اگر به درستی و به صورت مشارکتی طراحی اجرا شوند می‌توانند موجب تشدید سرمایه‌ی اجتماعی پل زنده و همچنین تقویت امکان‌های مثبتی است که جهانی شدن در خود دارد.

در نتیجه پیشنهادات کاربردی این پژوهش را می‌توان اینگونه خلاصه کرد:

- استفاده از رویکرد مشارکتی در تهیه طرح‌ها در راستای تقویت سرمایه‌ی اجتماعی پیوند دهنده.
- غالباً رویکرد جامع و بالا به پایین حاکم بر طرح‌های شهری با توجه یافته‌های این پژوهش موجب تقویت سرمایه‌ی اجتماعی مقیدساز در جامعه و همچنین بین گروه‌های منتفع از آن شده است. بنابراین برای تغییر این روند باید به صورت جدی‌تر تلاش شود تا با تقویت فرایندهای مشارکتی تر تمام گروه‌های ذینفع در طرح‌های شهری در فرایند تهیه طرح وارد شوند.
- توجه به سرمایه‌های اجتماعی پیوند دهنده و مقیدساز درگیر در فرایند تهیه و تصویب طرح‌ها.

ابتدا باید در مورد هر طرح شهری سوال شود که چه گروه‌هایی در فرایند تهیه و تصویب آن‌ها دسته

- Khan, Haider (2013). "Globalization and Democracy: A Short Introduction". MPRA (Munich Personal RePEc Archive) Paper No. 49515, 15 September 2013.
- Kivileim, Fulya (2014). "The Evolution of Globalization Process and Its Implications". In Ümit Hacıoglu and Hasan Dincer (Ed.), 2014, Managerial Issues in Finance and Banking: A Strategic Approach to Competitiveness. New York and Dordrecht: Springer, pp. 51-66.
- Krishna, Anirudh (2000). "Creating and harnessing social capital". In Ismail Serageldin and Partha Dasgupta (Eds.), 2000, Social Capital: A Multifaceted Perspective. Washington, D.C.: The World Bank, pp. 71-93.
- Lee, Sanghoon (2018). "Social capital and health at the country level". The Social Science Journal, Vol.55, pp. 37-51.
- Mayer-Schönberger, Viktor, and Deborah Hurley (2000). "Globalization of Communication". In Joseph S. Nye and John D. Donahue (Eds.), 2000, Governance in a Globalizing World. Washington, DC: Brookings Institution Press, pp. 135-151.
- Milner, Wesley T. (2002). "Economic Globalization and Rights: An Empirical Analysis". In Alison Brysk (Ed.), 2002, Globalization and Human Rights. Berkeley and Los Angeles: University of California Press, pp. 77-97.
- Osborne, C., Baldwin, C., & Thomsen, D. (2016). Contributions of social capital to best practice urban planning outcomes. Urban Policy and research, 34(3), 212-224.
- Perraton, Jonathan; David Goldblatt; David Held, and Anthony McGrew (1997). "The globalisation of economic activity". New Political Economy, Vol. 2, No. 2, pp. 257-277.
- Putnam, Robert D. (1995). "Bowling alone: America's declining social capital". Journal of Democracy, Vol. 6, No. 1, pp. 65-78.
- Putnam, Robert D. (2000). Bowling alone. The collapse and revival of American community. New York and London: Simon & Schuster.
- Richardson, Harry W., and Chang-Hee C. Bae (2005). "Introduction". In Harry W. Richardson Chang-Hee C. Bae (Eds.), 2005, Globalization and Urban Development. Berlin: Springer, pp. 1-10.
- Rosendorf, Neal M. (2000). "Social and Cultural Globalization: Concepts, History, جهانی شدن و تاثیر آن بر توسعه شهری- منطقه ای (مطالعه موردی: چابهار در جنوب شرق ایران)، نشریه مدیریت شهری، شماره ۴۳، صص ۴۹۹-۵۱۴.
- Allison, Graham (2000). "The Impact of Globalization on National and International Security". In Joseph S. Nye and John D. Donahue (Eds.), 2000, Governance in a Globalizing World. Washington, DC: Brookings Institution Press, pp. 72-85.
- Brysk, Alison (2002). "Introduction: Transnational Threats and Opportunities". In Alison Brysk (Ed.), 2002, Globalization and Human Rights. Berkeley and Los Angeles: University of California Press, pp. 1-16.
- Chakravorty, Sanjoy (2005). "Urban development in the global periphery: The consequences of economic and ideological globalization". In Harry W. Richardson Chang-Hee C. Bae (Eds.), 2005, Globalization and Urban Development. Berlin: Springer, pp. 29-39.
- Das, Dilip K. (2004). The Economic Dimensions of Globalization. New York: Palgrave Macmillan Ltd.
- Gittel, Ross, and Avis Vidal (1998). Community Organizing: Building Social Capital as a Development Strategy. Thousand Oaks and London: Sage Publications.
- Grębosz, Magdalena, and AndreJ Hak (2015- "Multidimensional character of globalization". Zeszyty Naukowe Politechniki Lodzkiej, Organizacja Zarzadzanie, Z. 59, pp. 69-82.
- Held, David (1997c). "Globalization and cosmopolitan democracy". Peace Review, Vol. 9, No. 3, pp. 309-314.
- Held, David, and Pietro Maffettone (2017). "Moral Cosmopolitanism and Democratic Values. Global Policy, Vol. 8, Supplement. 6, pp. 54-65.
- Held, David; Anthony McGrew; David Goldblatt; and Jonathan Perraton (1999). "Globalization". Global Governance, Vol. 5, No. 4, pp. 483-49.
- Holman, N., & Rydin, Y. (2013). What can social capital tell us about planning under localism?. Local government studies, 39(1), 71-88.
- Keohane, John D., and Joseph S. Nye (2000). "Introduction". In Joseph S. Nye and John D. Donahue (Eds.), 2000, Governance in a Globalizing World. Washington, DC: Brookings Institution Press, pp. 1-41

- and America's Role". In Joseph S. Nye and John D. Donahue (Eds.), 2000, *Governance in a Globalizing World*. Washington, DC: Brookings Institution Press, pp. 109-134
- Ryu, H., Lee, J. S., & Lee, S. Y. (2017). Participatory Neighborhood Revitalization Effects on Social Capital: Evidence from Community Building Projects in Seoul. *Journal of Urban Planning and Development*, 144(1), 04017025.
- Serageldin, Ismail, and Christiaan Grootaer (2000). "Defining Social Capital: An Integrating View". In Ismail Serageldin and Partha Dasgupta (Eds.), 2000, *Social Capital: A Multifaceted Perspective*. Washington, D.C.: The World Bank, pp. 40-58.
- Silver, Christopher (2005). "Do the donors have it right? Decentralization and changing local governance in Indonesia". In Harry W. Richardson Chang-Hee C. Bae (Eds.), 2005, *Globalization and Urban Development*. Berlin: Springer, pp. 95-108.
- Svendsen, G. Tinggaard, and Gunnar L. H. Svendsen (2009). "The troika of sociology, political science and economics". In Gert T. Svendsen and Gunnar L. H. Svendsen (Eds.), 2009, *Handbook of Social Capital: The Troika of Sociology, Political Science and Economics*. Cheltenham and Northampton: Edward Elgar Publishing Limited, pp. 1-13.
- Tomlinson, John (1999). *Globalization and Culture*. Cambridge: Polity Press.
- Vilar, K., & Cartes, I. (2016). Urban design and social capital in slums. Case study: Moravia's neighborhood, Medellin, 2004-2014. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 216, 56-67.
- Wang, Zhan; Regina McNally; and Helena Lenihan (2018). "The role of social capital and culture on social decision-making constraints: A multilevel investigation". *European Management Journal*, Vol. xxx, pp. 1-11.

## یادداشت‌ها

<sup>1</sup> inclusion<sup>2</sup> Bonding social capital<sup>3</sup> Bridging social capital